

Andishe-e-Taqrrib.35 Vo1.13.No.4.Winter 2018 P 65-85	اندیشه تقریب سال سیزدهم شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۶ پیاپی ۳۵ ص ۶۵ - ۸۵
--	---

اسلام نقلی و اسلام عقلی: جستاری در دستگاه فقهی داعش

سلمان صادقی زاده^(۱)

چکیده

در نخستین نگاه، داعش پدیده‌ای ژئوپلتیک به نظر می‌رسد که حاصل مناسبات پیچیده میان نیروهای اجتماعی از یک سو و نیروهای سیاسی و بین‌المللی از دیگر سو است. این تحلیل با واقعیات مشاهده‌پذیر تطبیق دارد؛ اما در این نوشتار بر آنیم که نشان دهیم داعش در ورای مناسبات سیاسی، پدیده‌ای عمیقاً اعتقادی و نص‌گرا در مقابله جدی با اسلام عقل‌گراست. اینجاست که تقابل داعش با مدرنیته مفهوم بهتری پیدا می‌کند. آشکارا در خواهیم یافت که از نگاه داعش، خوانش‌های عقل‌گرایانه از اسلام عامل اصلی کم‌رنگ‌شدن جایگاه نقل در خوانش دینی شده است. داعش با رویکردی سلفی تلاش می‌کند مطلقاً توجیهاات خود را از درون منقولات دینی استخراج کرده و امر معقول را به تلاشی صرف برای درک امر منقول منقاد کند. با این حال، نمی‌توان داعش را پدیده جدیدی دانست؛ بلکه تلاشی جدید در مسیر احیای امری قدیم است و دست‌کم از هفت قرن پشتوانه مستقیم فکری و فقهی برخوردار است.

در این نوشتار به واکاوی مستندات فقهی دولت اسلامی داعش خواهیم پرداخت و نشان خواهیم داد که معارفی نظیر جهاد، امامت، تکفیر، هجرت، ارتداد، دارالاسلام و دارالکفر و اعمالی مانند زنده‌سوزاندن و زجر دادن، قتل ایزدیان و به‌بردگی گرفتن زنان و کودکان، پیش از آنکه مقتضای سیاست باشد، نتیجه مستقیم استنباطات فقهی و ارجاع به امر منقول است.

واژگان کلیدی: داعش، اسلام نقلی، اسلام عقلی، دستگاه فقهی، سلفی‌گری

(۱) استادیار پژوهشکده مطالعات اجتماعی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

مقدمه

در این مقاله به صورت مختصر به مفاهیم بنیادینی خواهیم پرداخت که توجیحات فقهی را برای رفتار پیروان داعش فراهم می‌آورد و آنان را مجاب می‌کند رفتارهای خود را در طول رفتارهای خدا تفسیر کنند و در برابر دشمنان خود سرسخت و بی‌پروا ظاهر شوند. البته این مفاهیم دارای پیشینه‌ای فقهی هستند که فقه معاصر داعش از آن‌ها سیراب می‌شود. همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، آموزه‌های داعش در مجموع تلاشی برای ارجاع اندیشه و عمل اسلامی به امر منقول است؛ تلاشی که به‌خودی‌خود با نوعی تسلیف و گذشته‌نگری پیوند می‌خورد؛ از این رو داعش فقط در بستر سلفی‌گری قابل توضیح است؛ با این تفاوت که وجه عمل‌گرایانه آن در قیاس با سایر نحله‌های سلفی پرننگ‌تر است. عبارت سلفی از ماده «سلف» به معنای گذشته گرفته شده است و به اهمیت و جایگاه سلف صالح، یعنی پیامبر و بعضاً اسلاف صالح، یعنی «السابقون» اشاره دارد. آن‌گونه که زمرلی بیان می‌کند، عبارت «پیروی از سلف» یا «ائمه سلف» را می‌توان در عبارت اصحاب حدیث در قرون دوم و سوم یافت (زمرلی، ۱۹۹۵م، ص ۳۷ و ۳۸).

سلفی‌گری با نام مالک‌بن‌انس، احمدبن حنبل و سفیان ثوری پیوند خورده است. اینان با پرهیز از تأویل، به آنچه در کتاب و سنت آمده است ایمان داشتند و بر آن بودند به مسائلی نپردازند که سلف متعرض آن‌ها نشده‌اند (شهرستانی، بی‌تا، ص ۱۰۳ و ۱۰۷). به‌واقع سلفیون افرادی از حنابله بودند که در قرن چهارم ظاهر شدند و مدعی بودند عقایدشان به «احمدبن حنبل» برمی‌گردد. وی این عقاید و آرا را از «سلف صالح» برگرفته است. اینان از سویی با چالش‌هایی از جانب علمای حنبلی روبه‌رو بودند که چنین عنوانی را قبول نداشتند و از سویی با تضادهای اشاعره که خود را سلفی به معنای حقیقی می‌دانستند، درگیر می‌شدند. بعدها ابن تیمیه حرانی (م ۶۶۱-۷۲۶ق) با قرائتی جدید، به فقه سلفی احمدبن حنبل جانی دوباره بخشید و سپس این فقه با تلاش‌های محمدبن عبدالوهاب به سیاست کلان کشورهای اسلامی راه یافت. آن‌گونه که جعفر سبحانی بیان می‌کند، نقطه

عطف ارتباطات سیاسی محمدبن عبدالوهاب را می‌توان در همراه شدن محمدبن سعود — بزرگ آل سعود — با وی دانست (سبحانی، ۱۳۶۴ش، ص ۲۵ و ۲۷).

با وجود این، سلفی‌گری آل سعود به سرعت و جوه بنیادین خود، از قبیل جهاد و تلاش برای تعیین مرزهای دارالاسلام و دارالحرب را از دست داد و درون‌مایه‌های بنیادگرایانه آن در سایه مصالح سیاسی ترقیق یافت.

در چنین وضعیتی، سلفیون که پس از فروپاشی خلافت اسلامی، جهان اسلام را طفلی تیم و بی‌سرپناه یافتند، بر آن شدند پرچم سلفی‌گرایی را به دست گیرند و در این راه، عمدتاً ابن تیمیه را به مثابه نقطه عزیمت فکری و روشی خود برگزیدند.

ابن تیمیه عقل را نیز مؤید طریقت سلفی دانست و نوشت: «در عقل صریح و نقل صحیح چیزی که مخالف طریقه سلفیه باشد، وجود ندارد» (ابن تیمیه، بی‌تا، ص ۴۶)؛ اما در اقامه دلیل، نقطه عزیمت خود را نقل صحیح قرار داد؛ امری که بعدها در توصیه پیروان این مکتب، مانند سیداحمد بریلوی، بر پیروی از «سنت محض» و «طریقت سلف» وجه آشکارتری یافت (فرمانیان، ۱۳۸۸ش، ص ۷۹ و ۸۱).

توجیحات نقلی دانش داعش

در اینجا به مهم‌ترین اجزای دستگاه فقهی داعش اشاره خواهیم کرد که مبانی فکری و به عبارتی نظام دانش داعش را تشکیل می‌دهد؛ نظامی که برپایه توجیحات نقلی مشخصی بنا شده است. پس از بیان این توجیحات، به بیان توجیحات نقلی کنش دانش با ذکر چند نمونه خواهیم پرداخت.

۱. جهاد

مفهوم جهاد یکی از مفاهیم کلیدی در آیات قرآن است و در دین اسلام یکی از واجبات الهی به شمار می‌رود: ﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (بقره ۲):

۲۱۶). با وجود این، صورت‌بندی مفهومی جهاد، به‌ویژه در میان اعضای حکومت اسلامی داعش، دارای ویژگی‌های خاص مفهومی است که البته یک‌شبه به وجود نیامده‌اند.

همچون سایر مفاهیم بنیادین در دستگاه فقهی داعش، مفهوم جهاد با قرائتی که داعش دارد، دست‌کم دارای پیشینه‌ای هفتصدساله است و نخستین مبادی آن را می‌توان در نظریه‌پردازی‌های «شیخ‌الاسلام ابن تیمیه» مشاهده کرد. وی اولین متأله مسلمان بود که به‌صورت منظم و منسجم به مسئله جهاد پرداخت و در تمامی آثار وی (حدود ۴۸ کتاب و رساله) مفهوم جهاد با یک تفسیر و دریافت منصوص به‌صورت مفهومی کلیدی تداوم دارد. وی حتی تا آنجا پیش رفت که مثله‌کردن کفار را نیز جایز می‌شمرد (نک: بن قاسم، ۱۴۱۸ق).

در دوران جدید نیز برخی از متفکران اسلامی، از جمله مودودی و قطب، به مقوله جهاد پرداختند. ابوالاعلی المودودی متفکری هندی بود که به جای نظریه حاکمیت دولت «ژان بدن»، از حاکمیت خدا دفاع می‌کرد. بنابر رویکرد وی، فقط خداست که حق قانون‌گذاری دارد نه مردم؛ لذا منبع اصیل برای قانون را باید از میان آیات و احادیث استخراج کرد. وی معتقد بود هرگونه قانونی که منبع جدا از دین داشته یا برگرفته از اقتدار دولت باشد، مردود است (Bagader, 2005, p.114). سید قطب تأثیر عمیقی از اندیشه‌های مودودی پذیرفت. وی با پذیرش ایده حاکمیت خدا به جای حاکمیت دولت، تمامی عمر خود را مصروف مبارزه با دولت‌های حاکم در مصر کرد و در نهایت نیز به دست جمال عبدالناصر اعدام شد. وی برای جوانان اسلام‌گرا به‌اسطوره مبدل شد؛ زیرا وی تندیس تمام‌عیار دشمنی با جامعه مدرن و نظام سیاسی مربوط به آن بود (همان).

سید قطب به‌صورت مبسوط واژه جهاد را بررسی و آن را وارد ادبیات گروه‌های نظامی اسلام‌گرا کرد. از نظر وی، اسلام جنبشی آزادی‌بخش است که برای نجات انسان‌ها و آزادی بشریت آمده است (سید قطب، ۱۳۶۸ش، ص ۲۱۸). وی می‌گوید:

«اسلام یا هست یا نیست. اگر هست که اسلام مبارزه و جهاد پیگیر و

دامنه‌دار و سپس شهادت در راه خدا و در راه حق و عدالت و مساوات است و اگر نیست، نشانه‌اش آن است که همه به ورد و ذکر مشغول‌اند و به تسبیح و سجاده چسبیده‌اند و صبح و شام منتظرند که خودبه‌خود از آسمان خیر و برکت و آزادی و عدالت بیارد» (همو، ۱۳۷۲ ش، ص ۳۷).

وی درباره حکومت معتقد است به دلیل پیچیده‌بودن ابعاد مختلف انسان، بشر قادر نیست قانونی صحیح برای زندگی خود وضع کند؛ لذا نباید خود قانون‌گذاری کند و مجبور به تبعیت از احکام الهی است (همو، ۱۳۴۹ ش، ص ۸۹). اندیشه‌های او تأثیر مستقیمی بر مجاهدان مسلمان پس از وی، از جمله شکری مصطفی داشت (کوپل، ۱۳۶۶ ش، ص ۱۰۵).

اشاره به این سه متفکر از این رو بود که افکار دولت اسلامی داعش در زمینه جهاد با افکار این متفکران تقارن‌هایی دارد. نباید این نکته را فراموش کرد که اگر در برخی گزاره‌ها جهاد برای مودودی و قطب ماهیتی ابزاری دارد و برای تحقق آرمان‌های الهی ضرورت می‌یابد، در قاموس فقه داعش، جهاد حتی از این نیز فراتر می‌رود و خود به یک آرمان بدل می‌شود؛ تاجایی که از نظر داعش، اسلام دین جنگ و جهاد است نه صلح و دوستی. دولت اسلامی در مقاله‌ای با عنوان «اسلام دین شمشیر نه صلح» در نشریه سازمانی پیشین خود (دابق) بیان می‌کند که برخی از مسلمانان تحت تأثیر اندیشه‌ها و جریان‌های فکری عنوان می‌کنند که اسلام دین صلح است؛ حال آنکه اگر به سنت و قرآن مراجعه کنند، خواهند دید اسلام نه دین صلح که دین جنگ و جهاد فی سبیل‌الله است و هر مسلمانی که از آن روی گرداند، مرتد شده است (Dabiq, Issue 7, p. 20-25).

این نگرش به جهاد در ماهنامه جدید داعش، یعنی «رومیة»، چهره‌ای رادیکال‌تر به خود می‌گیرد. اگر پیش‌تر و در نشریه دابق جهاد ناظر بر وجه بنانهادن دارالاسلام بود، در اینجا جهاد فقط ناظر بر تخریب دارالکفر است.

در سایه این نگرش، جهاد بیش‌از پیش در دستگاه فقهی داعش مرکزیت یافته و شباهت

تاکتیکی بیشتری با هم کفو خود «القاعده» می‌یابد. این ماهنامه متعاقب سقوط شهر دابق و توقف چاپ نشریه آن، به منع اصلی تبلیغات دولت اسلامی بدل شد. از یک سو، انتخاب واژه «رومیه» که از نام شهر رم گرفته شده است، به محتوای مجله ربط دارد که خواستار کشتن افرادی از کشورهای غربی است که آنان را کافر توصیف می‌کند؛ همچنان که در این مجله راهکارها و شیوه‌های متعددی برای اجرای عملیات تروریستی به وسیله چاقو (عملیات لندن) و زیرگرفتن عابران پیاده توسط کامیون (عملیات برلین و نیس و استکهلم) که به کامیونیزم مشهور است، به صورت صریح و با جزئیات، به مخاطبان آموزش داده شده است. از سوی دیگر، انتخاب عنوان رومیه از آن روست که تاریخ جنگ‌های صلیبی برای مخاطب‌آوری شود (پورسعید، ۱۳۹۶ش، ص ۱۶۰).

در شماره سوم رومیه در اوج مباحث بر فضیلت‌های جهاد تأکید شده و پنج گزاره مشخص به عنوان فضایل جهاد آمده است: «هیچ عملی با جهاد برابری نمی‌کند»، «جهاد شعبه‌ای از ایمان است»، «مجاهد بهترین مردم است»، «جهاد قله اسلام است» و «جهاد مایه محافظت مجاهد در برابر آتش» (Rumiyah, Issue 3, p.13). به نقل از: پورسعید، ۱۳۹۶ش).

در شماره‌های دوم و سوم رومیه این نگرش به اوج خود می‌رسد و در عین حال، مشاهده می‌کنیم که منطق زیربنایی استدلال‌ات نیز همچنان صرفاً نقلی و ارجاعی است. در دومین شماره، شاهد نقل خبری از سیره صحابه هستیم که اشعار می‌دارد: «چاقو سلاحی است که صحابه در به‌کاربردن آن بسیار ماهر بودند.

عبدالرزاق صنعانی در مصنف خود روایت می‌کند که محمد بن مسلم در ترور طاغوت یهودی — کعب بن اشرف — که رسول‌الله دستور قتل وی را داده بود، از نوعی خنجر استفاده کرد. ممکن است کسی بپرسد چرا چاقو وسیله‌ای مناسب برای حمله است. چاقو تنها و بهترین وسیله برای حمله به کفار نیست، اما سلاحی است که در هرجا و به آسانی قابل تهیه است. در شماره سوم رومیه، ذیل عنوان تاکتیک‌های شوالیه‌های ترور، به آموزش حمله با استفاده از وسایل نقلیه پرداخته شده است.

در این آموزش، بر برتری وسیله نقلیه بر چاقو تأکید شده است: «برخلاف چاقو که حمل کردن آن گمان برانگیز است، رانندگی کردن در تمامی جهان یک امر عادی و کاملاً غیرمشکوک محسوب می‌شود.» همچنین تأکید شده است وسیله نقلیه ایده آل برای کشتار مردم عادی کامیون پر از بار است و اهداف مناسب برای این حمله نیز جشن‌ها و مراسم شلوغ در فضای باز، خیابان‌های دارای پیاده‌رو (خیابان‌های اصلی و بزرگ)، بازارهای فضای باز، فستیوال‌ها، پیاده‌روها و محل تظاهرات سیاسی است. در شماره چهارم رومیه نیز به آموزش مفصل حمله با چاقو پرداخته شده و محل‌های مناسب حمله، چاقوهای ایده آل و چاقوهای ممنوعه ذکر شده است (Rumiyah, Issue4, p.8-9) به نقل از: پورسعید، ۱۳۹۶ش).

گواهی سیاق بحث نقطه عزیمت جهاد با چاقو نقل حدیثی از صحابه است و سایر مباحث عمل‌گرایانه عقلی درباره چندوچون استفاده از این سلاح فقط وجه ابزاری و تبعی دارد. این الگو، الگویی است که در تمامی مباحث داعش دیده می‌شود؛ به این معنا که نقل از سلف صالح و صحابه به‌عنوان نقطه اتکای فکری و عملی در نظر گرفته شده و با اتکا به آن، هدف‌گذاری و سیاست‌گذاری می‌شود.

۲. امامت

دولت اسلامی در شماره نخست نشریه دابق که نشریه سازمانی خلافت اسلامی محسوب می‌شود، مقاله‌ای را با عنوان «مفهوم امامت از آن ملت ابراهیم است» منتشر کرد که خود مشتمل بر پنج بخش بود. در بخش نخست، حدیثی از پیامبر نقل می‌شود که می‌فرماید: «همانا ایمان انسان در درون وی کهنه می‌شود؛ همان‌گونه که جامه بر تن وی کهنه می‌شود؛ بنابراین از خدا بخواهید تا ایمان را در قلب شما احیا کند.» این حدیث را الحکیم نقل می‌کند و سند روایی آن را معتبر می‌داند (Dabiq, issue 1, p.20). در ادامه این بخش، ملت ابراهیم که ادعا می‌شود به دست داعش احیا شده است، به همان ایمان انسان به خدا که به احیا نیاز دارد، تشبیه گردیده و بیان شده است که داعش تجدید ایمان در قلب مسلمانان و جامه‌ای نو بر تن آنان است. در ادامه، به تفسیر آیه ۹۴ سوره نحل اشاره شده است که علما گفته‌اند منظور زن نادانی است که جامه‌ای

را می‌بافد و از نو پاره می‌کند؛ در حالی که ملت ابراهیم از این ابطال‌ها برکنار است. در بخش دوم از این مقاله با عنوان «امامت سیاسی» چنین بیان می‌شود: «عبدالله بن عمر رضی الله عنهما از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرد که هر انسانی یک چوپان است و هر چوپانی در برابر دسته خود مسئول و امام نیز چوپان است و در برابر دسته خود مسئول است» (Dabiq, issue 1, p. 22-23)^(۱) و در ادامه بر اهمیت امامت سیاسی تأکید می‌شود. در بخش سوم این مقاله آمده است: «همانا مفهوم ملت ابراهیم از قلب بسیاری از مسلمانان زدوده و به یک مفهوم تزئینی بدل شده است. برای از میان بردن این وضعیت باید مسلمانان به یک امام واحد اقتدا کنند تا دوباره قانون خدا را در زمین ساری و جاری نمایند. همانا دلیل تضعیف مفهوم امامت در عصر حاضر، ریشه در تقویت مفهوم گمراه‌کننده سکولاریسم و ایده جدایی دین از سیاست دارد» (Dabiq, issue 1, p.24). در ادامه و در بخش چهارم این مقاله به دستورات خدا به حضرت ابراهیم دربارهٔ رسالت وی در قبال مردم اشاره شده است (Dabiq, issue 1, p.26) و در بخش پنجم و آخر این مقاله با عنوان «دولت اسلامی همان امامت اصیل است»، بیان شده است: «دولت اسلامی با توجه به اقامه فریضه امامت در مناطق تحت امر خود، بهترین مصداق برای مفهوم "ملت ابراهیم" به شمار می‌رود. داعش تا آنجا که در توانش بوده است — به بهترین شکل ممکن — احکام خدا را جاری کرده است.»

در ادامه به آیه ۱۳۰ بقره اشاره شده است که می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَرْغَبُ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ﴾: و چه کس از آیین

(۱). احتمالاً به این حدیث اشاره دارد: «الا کلکم راعٍ و کلکم مسئول عن رعیتہ، فالأمیر علی الناس راعٍ، و هو مسئول عن رعیتہ، و الرجل راع علی اهل بیته و هو مسئول عنهم، فالمرأة راعیة علی اهل بیت بعلها و ولده، و هی مسئولة عنهم، الا فکلکم راعٍ و کلکم مسئول عن رعیتہ» (دیلمی، ارشاد القلوب، ج ۱ ص ۱۸۴).

پاک ابراهیم روی گرداند، به جز مردم بی خرد؟! زیرا ما ابراهیم را در دنیا (به شرف رسالت) برگزیدیم و البته در آخرت هم از شایستگان است.» در ادامه با استناد به آیه پیش گفته استدلال می‌کند: «همان‌طور که از متن آیه مشخص است، امامت از آن ملت ابراهیم علیه السلام است و اینکه هرکس از این امامت روی گردانی کند، از بخشی از این ملت بزرگ روی گردانی کرده است و بر هر دانشمند و فقیهی که از ملت ابراهیم تبعیت می‌کند، واجب است تا علیه امامت دولت اسلامی سخنی نگوید و در پی تضعیف یا نابودی آن نباشد و بر آن‌هاست که بدانند دولت اسلامی — که خداوند به آن وعده فتح و اتحاد و استقرار مذهب بر روی زمین را داده است — امامت بی‌چون‌وچرا را بر عهده دارد؛ بنابراین هرکس از اقتدار آن در قلمرو آن سرپیچی کند، مرتد شناخته می‌شود و می‌توان پس از اتمام حجت، با وی جنگید.» (Dabiq, issue 1, p.27)

۳. هجرت

آموزه هجرت تاریخی به قدمت دین اسلام دارد. با وجود این در دوران معاصر، برخی متفکران اسلامی تلاش کردند این مفهوم را به‌نوعی احیا کنند و به قلب کنش جامعه اسلامی بازگردانند؛ برای نمونه، آموزه‌های سید قطب و مودودی که جهاد را ناظر بر دو مرحله دانسته و مرحله نخست آن را هجرت می‌دانند و از آن به مرحله «استضعاف» یاد می‌کنند و مرحله پس از آن را «التمکین» می‌نامند، نمونه‌ای از همین امر است (کدیور، ۱۳۷۳ش، ص ۱۴۶). داعش نیز نمونه‌ای نوین برای احیای فریضه هجرت است؛ تاجایی که إشعار می‌دارد: «بدون جهاد، زندگی و بدون هجرت، جهاد معنایی ندارد» (Dabiq, issue 3, p.31). آن‌گونه که برای نگارنده از نگاشته‌های نشریه داعش مستنبط است، داعش تبلیغات خود را بر دو قسم هجرت متمرکز کرده است: هجرت آفاقی و هجرت انفسی؛ هجرت آفاقی از دارالکفر به دارالایمان و هجرت انفسی از تدلیس و ریا به صدق و صفا.

الف) هجرت آفاقی

همان‌گونه که پیش از این نیز گفته شد، هجرت نخستین حلقه از اجرای رسالت است؛ چراکه مفهوم هجرت در ادبیات سازمان خلافت اسلامی به‌طور مستقیم انعکاس یافته است. داعش در نشریه سازمانی خود – دابق – پنج مرحله اصلی را برای برپایی اسلام معرفی می‌کند:

هجرت ← جماعت ← سرنگونی طاغوت ← تمکین ← خلافت (Dabiq, issue 1, 38-39).
 در این باره و در بخش هفتم از مقاله هجرت با عنوان «نصایحی برای آنان که در صدد هجرت هستند» آمده است که پیش از هجرت، این حدیث از پیامبر ﷺ را فراموش نکنید که فرمودند: «اگر به خدا توکل کنید که هم او شایسته توکل است، آن‌گاه خداوند شما را همچون پرنندگان مهاجر محافظت خواهد کرد؛ پرنندگانی که صبح‌گاه گرسنه هجرت می‌کنند و شام‌گاه سیر بازمی‌گردند» (Dabiq, issue 3, p.33).

ب) هجرت انفسی

داعش در شماره سوم از نشریه دابق، مقاله‌ای با عنوان «هجرت از تدلیس و ریا به صدق و صفا» منتشر کرد که همچون اغلب مقالات این نشریه بدون ذکر نام نگارنده است. در بخش دوم این مقاله آمده است: «...ابوهریره رضی الله عنه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرد که هرکس بدون شرکت در جهاد و یا بدون نیت برای شرکت در جهاد بمیرد، بر صفت تدلیس و ریا مرده است» (Dabiq, issue 3, p.26). در این باره الحسن البصری می‌گوید که هیچ‌کس از تدلیس و ریا نمی‌ترسد، مگر مؤمن و هیچ‌کس خود را از آن در امان نمی‌بیند، مگر کافر. در این مقاله آمده است که افراد باید در درون خود دانه‌های شوق را برای هجرت بکارند و باید مسلمانان از غرب به عراق، افغانستان، یمن، سومالی، چچن، الجزایر و وزیرستان هجرت کنند؛ حتی اگر حضور آن‌ها در سرزمین‌های یادشده مفید نباشد؛ زیرا تنها راه سعادت برای آنان این است (Dabiq, issue 3, p.27).

۴. ارتداد

این واژه مفهومی کلیدی در اندیشه و عمل داعش محسوب می‌شود. براساس استدلالات فقهی آنان، تمامی افرادی که با هر شیوه‌ای به دشمنان داعش کمک می‌کنند، خواه این افراد حاکمان دولت‌های عربی و اسلامی باشند یا حتی شهروندان ساده‌ای که به این دولت‌های ظالم به هر طریق یاری می‌رسانند، خواه با همکاری اداری یا سازمانی یا با استخدام شدن به دست این دولت‌ها، از دین خارج شده و مرتد هستند. سازمان دولت اسلامی کتابی را در این باره با عنوان «دلایل آشکار در کفر یاری‌کنندگان حمله صلیبیون بر علیه خلافت اسلامی» (نک: الدولة الإسلامية، ۱۴۳۶ق، ص ۲۱) در محرم ۱۴۳۶ مطابق با آبان ۱۳۹۳ و نوامبر ۲۰۱۴ به دست دولت خلافت اسلامی نشر کرد که در فصل دوم، به دلایل فقهی و شرعی کافر بودن آمریکایی‌ها و هم‌پیمانانشان در جنگ علیه دولت اسلامی پرداخته شده است. در ابتدای این فصل، نویسنده می‌گوید: «پس بدانید هرکس به آنان در این جنگ یاری رساند، جدای از آنکه این کمک با بدن باشد یا با سلاح یا با قلب یا قلم یا مال یا رأی یا هرچیز دیگری، کافر و مرتد شده است — و پناه بر خدا از شر آنان — و دلایل ارتداد آن‌ها بسیار زیاد است. این دلایل را می‌توان در قرآن و سنت، اجماع، اقوال صحابه و قیاس و در میان اقوال اهل علم و فتاوی‌ای ایشان مشاهده نمود» (الدولة الإسلامية، ۱۴۳۶ق، ص ۲۲).

مشاهده می‌شود نویسنده از عبارت «جدای از آنکه این کمک با بدن باشد یا با سلاح یا با قلب یا قلم یا مال یا رأی یا هرچیز دیگری، کافر و مرتد شده است» استفاده می‌کند. این گشاده‌دستی در اطلاق صفت مرتد و کافر بر پایه دلایل نقلی است، اما وجه بارز دستگاه فقهی داعش محسوب می‌شود.

توجیحات نقلی کنش داعش

در ادامه به بررسی توجیحات نقلی کنش داعش خواهیم پرداخت. در اینجا با ذکر چند نمونه از اقدامات داعش تلاش می‌کنیم نسبت این اقدامات را با مبانی عقیدتی یا

آنچه بدان نام توجیہات نقلی نهادہ ایم، تبیین کنیم.

۱. توجیہ فقہی کشتار یزیدیان یا ایزدیان

ابوہریرہ رضی اللہ عنہ در تفسیر آیه ۱۱۰ سورہ آل عمران می فرماید: «شما بہترین مردم در میان مردمانید. شما درحالی کہ زنجیر بہ گردن مردمان می اندازید، آنان را کشان کشان بہ اسلام وارد می کنید.»^(۱)

یزیدیان یا ایزدی‌ها یا بہ تعبیری دیگر «ایزدیان» اقلیت مذہبی کردی هستند کہ در شمال عراق، سوریه، جنوب شرقی ترکیہ و قفقاز زندگی می کنند. ایزدیان بہ زبان کردی با گویش کرمانجی صحبت می کنند. آیینشان یزیدیہ، شاخہ‌ای از بہ‌دینانہ است کہ آمیزہ‌ای از عقاید اسرارآمیز و ادیان پیش از اسلام و عقاید اسلامی است. نیروہای داعش در سال ۲۰۱۴ میلادی پس از تصرف مناطقی از استان نینوا در شمال و حملہ بہ منطقہ سنجار، صدها مرد و زن ایزدی را بہ اسارت گرفتند و بہ قتل رساندند.

داعش در شمارہ چہارم نشریہ دابق بہ بیان توجیہات دینی این عمل پرداختہ و در این بارہ گفتہ است: «زمانی کہ دولت اسلامی منطقہ سنجار را در ایالت نینوا فتح کرد، با گروہی بہ نام یزیدیان روبہ رو شد کہ اقلیتی کافر هستند کہ مدت‌ہاست در شام و عراق زندگی می کنند. وجود آن‌ها برای مدت‌های مدیدی تا بہ امروز امری است کہ مسلمانان دربارہ آن باید روز قیامت پاسخگو باشند؛ چراکہ خداوند آیه السیف را حدود ۱۴۰۰ سال پیش نازل کردہ و در آیه پنج سورہ توبہ فرمودہ است: «پس از پایان ماہ‌های حرام، مشرکان را ہرجا کہ دیدید، بکشید...، مگر آنکہ توبہ کردہ، نماز گزارند و زکات دهند...».

در مقالہ در ادامہ آمدہ است: «اعتقاد کنونی یزیدیان — کہ البتہ در طول تاریخ

(1) . See: ISIS, the Revival of Slavery Before the Hour, Dabiq, Issue 4, 1435(2014CE) DhulHijjah, pp. 15.

تغییراتی داشته است — مبنی است بر پرستش ابلیس که آن‌ها وی را فرشتهٔ اخراج‌شده از بهشت، اما بخشیده‌شده می‌دانند؛ چراکه وی به دلیل پرستش انحصاری ذات اقدس الهی، در برابر انسان سجده نکرد و آنان این عمل سرکشانهٔ شیطان در عدم اطاعت از خداوند را عملی افتخارآمیز تلقی می‌کنند؛ بنابراین آنان ابلیس را که طاغوت اکبر است، نماد روشنائی و زهد تلقی می‌کنند و چه کفری می‌تواند از این بالاتر باشد؟»

(Dabiq, Issue 4, p.14)

از نظر داعش، اعتقادات این گروه آن‌قدر منحرف است که حتی مسیحیان تا سال‌ها آنان را شیطان‌پرست و ساتانیست می‌دانستند و چقدر معنادار و طعنه‌آمیز است که او با ما دلیل اصلی مداخلهٔ خود را در عراق و شام حمایت از این گروه فاسد و همکاری با پیش‌مرگ‌ها عنوان می‌کند که خود گروهی مارکسیست هستند و به پ.ک.ک. وابستگی دارند.

۲. توجه فقهی به بردگی گرفتن زنان

«به بردگی گرفتن زنان مرتد که به گروه‌های مرتدی مانند رافضی، نصیری و اسماعیلیه تعلق دارند، مسئله‌ای است که علما بر سر آن اختلاف نظر دارند. غالب فقها معتقدند زنان اینان نباید به بردگی گرفته شوند و تنها باید توبه کنند یا کشته شوند و این برگرفته از این حدیث است که "هرکس دینش را تغییر داد، بکشید" (نعمان مغربی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۸۱)؛ اما برخی از علما، از جمله شیخ الاسلام ابن تیمیه و علمای حنفی معتقدند که می‌توان آن‌ها را به بردگی گرفت؛ چراکه صحابه رضی الله عنهم در جریان جنگ‌های ارتداد این کار را کردند. این نظر هم با شواهد صدر اسلام تأیید می‌شود؛ و الله اعلم.^(۱)

دولت اسلامی در بیان مواضع رسمی خود و پیش از آنکه بزرگ‌ترین نمونه

(1) . See: ISIS, the Revival of Slavery Before the Hour, Dabiq, Issue 4, 1435(2014 CE) DhulHijjah, pp. 15.

به بردگی گرفتن مشرکان پس از ترک شریعت اسلامی را به نمایش بگذارد، عنوان کرد ما پیش از آنکه به منطقه سنجار حمله کنیم و هزاران زن و کودک را به بردگی بگیریم، ابتدا طلاب دینی خود را مسئول کردیم تا درباره ایزدیان و دین آنها مطالعه کنند و ببینند آیا باید با آنها همچون مشرکان رفتار کرد یا آنان گروهی مسلمان هستند که بعدها مرتد شده‌اند؛ چراکه در مناسک آنها بسیاری از اعمال و اعتقادات اسلامی نیز به چشم می‌خورد؛ به همین دلیل، برخی علما آنها را گروهی اصالتاً مشرک برنشمردند و معتقدند آنها مسلمانانی هستند که مرتد شده‌اند. با تحقیقات بیشتری که طلاب دینی انجام دادند، مشخص شد آنها گروهی هستند که هسته‌های اولیه انتضاج آنان به دوران جاهلیت قبل از اسلام بازمی‌گردد؛ لذا نمی‌توان آنها را مسلمان مرتد شده دانست؛ بنابراین آنان اصالتاً فرقه‌ای مشرک‌اند.

در نهایت با توجه به این تحقیقات، دولت اسلامی با آنان براساس نظرات فقهای شهر رفتار کرد؛ چراکه بنابر نظر فقها، برخلاف یهودیان و ترسایان نمی‌توان از آنها جزیه گرفت؛ اما زنان آنان را می‌توان به بردگی اختیار کرد؛ در حالی که اگر آنان ابتدا مسلمان بودند و بعد مرتد شدند، بنابر نظر اغلب فقها، به بردگی گرفتن زنان آنان جایز نبود؛ بلکه فقط می‌شد آنان را به توبه از اعتقادشان وادار کرد و اگر نپذیرفتند، آنان را به حکم شمشیر وانهاد. (Dabiq, Issue 4, p.15)

دولت اسلامی درباره سرنوشت این زنان بیان می‌کند که پس از انتقال یک‌پنجم این برده‌ها به عنوان خمس به دولت اسلامی، مابقی به عنوان غنایم طبق شریعت اسلامی در میان مجاهدانی که در جنگ سنجار شرکت کرده بودند، تقسیم شدند و این بزرگ‌ترین مصداق احیای سنت اسلامی برده‌داری پس از ترک شریعت مقدس در میان مسلمانان به حساب می‌آید؛ هرچند این سنت چندی پیش در مقیاسی کوچک‌تر در فیلیپین و نیجریه به دست مجاهدان احیا شد. (Dabiq, Issue 4, p.14)

پس از این، برده‌ها به دست سربازان دولت اسلامی فروخته شدند؛ همان‌گونه که پیش از این صحابه رضی الله عنهم^(۱) این کار را انجام می‌دادند. البته در این باره اصول آشکار اسلامی به خوبی رعایت گردید؛ برای نمونه، هیچ فرزندی را از مادر خود جدا نکردیم و اکنون بسیاری از آنان با طیب خاطر اسلام را انتخاب کرده‌اند و در اجرای فرامین اسلامی از هم سبقت می‌گیرند. در ادامه، حدیثی از رسول‌الله به استناد بخاری به نقل از ابوهریره بیان می‌شود که فرمودند: «خداوند از اسلام آوردن مشرکان در حالی که در بند هستند، شگفت‌زده می‌شود». (Dabiq, Issue 4, 15)

۳. توجیه فقهی زنده‌سوزاندن معاذ الکساسبه^(۲)

«...اشکالی نیست بر آنان که نظیر مثله کردن را انجام دهند؛ پس هنگامی که در مثله‌کردنی که شایع و جاری است، دعوت آنان به ایمان باشد یا دورکردن آنان از دشمنی باشد، پس آن اقامه حدود و جهاد مشروع است.»^(۳)

داعش با استناد به آیه ۱۲۶ سوره نحل ﴿وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ﴾ به: و اگر عقوبت کردید، همان‌گونه که مورد عقوبت قرار گرفته‌اید [متجاوز را]، به عقوبت رسانید، سوزاندن زنده خلبان اردنی را توجیه کرد؛ همچنین در بیانیه گروه تروریستی داعش به بهانه اینکه «معاذ الکساسبه» در فعالیت‌های نظامی غرب علیه این تشکیلات مشارکت داشته و در حملات خود علیه داعش از بمب‌های خوشه‌ای و مواد رادیواکتیو و بمب‌های سنگین استفاده کرده که موجب سوختن انسان‌های بی‌گناه در آتش شده است، سوزاندن معاذ الکساسبه توجیه شده است؛ بنابراین این موضوع و براساس آیه

(1) . The Companions(Radiallahu Anhum).

(۲). خلبان جوان اردنی که در سلسله حملات هوایی نیروهای ائتلاف هواپیمای وی سقوط کرد و به اسارت نیروهای داعش درآمد.

(۳). نقل از ابن تیمیه. ارجاع سخن در ادامه متن آمده است.

مذکور، همان‌طور که وی گروهی از مسلمانان را سوزانده است، این حق آنان است که وی را به همان شکل قصاص کنند.

در این باره داعش برای توجیه کار خود، علاوه بر آیه ۱۲۶ سوره نحل، به فتوایی از ابن تیمیه استناد کرده است که این فتوا در تیتراژ ویدئوی انتشاری از زنده‌سوزاندن معاذ الکساسبه نمایش داده و خوانده شده است. متن کامل این فتوا — که البته در فیلم مدّ نظر از جمله «فاما ان كان في التمثيل السائق...» به بعد قرائت می‌شود — در کتاب المستدرک علی مجموع فتاوی شیخ الإسلام آمده است:

فالمثلة حق لهم، فلهم فعلها للاستيفاء وأخذ الثأر، ولهم تركها، الصبر أفضل، وهذا حيث لا يكون في التمثيل بهم زيادة في الجهاد ولا نكال لهم عن نظيرها، فأما إن كان في التمثيل السائق لهم دعاء إلى الإيثار أو زجر لهم عن العدوان فإنه هنا من إقامة الحدود والجهاد المشروع، ولم تكن القصة في أحد كذلك:

مثله کردن حق مسلمانان است و می‌تواند آن را انجام دهند، برای انتقام و گرفتن حقشان و البته می‌تواند این کار را ترک کنند که صبر کردن بهتر است. این هنگامی است که در مثله کردن زیادتی بر جهاد نباشد و اشکالی نیست بر آنان که نظیر مثله کردن را انجام دهند؛ پس هنگامی که در مثله کردنی که جایز است، دعوت آنان به ایمان باشد یا دور کردن آنان از دشمنی باشد، پس آن اقامه حدود و جهاد مشروع است؛ ولی در قضیه احد چنین نمی‌باشد. (بن قاسم، ۱۴۱۸ق).

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در سطر آخر، از این عمل به مثابه «اقامه حدود و جهاد مشروع» یاد شده است. در واقع زنده‌سوزاندن خلبان اردنی را می‌توان ذیل مفهوم جهاد مدّ نظر داعش درک کرد.

۴. توجیه فقهی تخریب موزه‌ها

داعش پس از تسلط بر بخش‌هایی از ایالت نینوا، به نابودی موزه‌های تاریخی اقدام کرد که در آن مجسمه‌ها و تمثیلی متعلق به بیش از هزار سال پیش وجود داشت.

دولت اسلامی در شماره هشت نشریه داعش در مطلبی با عنوان «پاک کردن میراث ملتی نابودشده» از نگه‌داری میراث آشوریان انتقاد کرده و عنوان می‌کند که برخی معاندان با تبلیغات گسترده می‌خواهند به مردم بقبولانند که این بخشی از تمدن آنهاست و آنان باید به این تمدن افتخار کنند.

در این مطلب به آیه‌ای اشاره شده است که می‌فرماید: «برای شما سرمشق خوبی در زندگی ابراهیم و کسانی که با او بودند، وجود داشت؛ در آن هنگامی که به قوم (مشرک) خود گفتند: "ما از شما و آنچه غیر از خدا می‌پرستید، بیزاریم. ما نسبت به شما کافریم و میان ما و شما عداوت و دشمنی همیشگی آشکار شده است؛ تا آن زمان که به خدای یگانه ایمان بیاورید." — جز آن سخن ابراهیم که به پدرش (عمویش آزر) گفت (و وعده داد) که برای تو آمرزش طلب می‌کنم و در عین حال، در برابر خداوند برای تو مالک چیزی نیستم (و اختیاری ندارم) — پروردگارا، ما بر تو توکل کردیم و به‌سوی تو بازگشتیم و همه فرجام‌ها به‌سوی توست» (ممتحنه (۶۰): ۴).^(۱)

همچنین در ادامه به آیات ۳۵ و ۳۶ سوره ابراهیم و آیه ۹۲ سوره یونس نیز اشاره می‌شود و براساس آن عنوان می‌گردد که فقط برای عبرت‌آموزی بود که خداوند جسم فرعون را نگاه داشت؛ سپس به حدیثی از پیامبر اشاره می‌شود که می‌فرمایند: «از اماکن مربوط به ملل که دچار غضب الهی شده‌اند، دوری کنید و تولی این امر را بر عهده مگیرید و بر آنها وارد نشوید، مگر درحالی که بر حال ایشان تأسف می‌خورید. مبادا دچار آن چیزی شوید که آنها شده بودند!» درواقع، آنان این موزه‌ها را به‌مثابه مظاهر شرک نابود کردند. (Dabiq, Issue 8, p.22-24)

(۱) فَدَكَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدُّهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنْتَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ

نتیجه

بنابر آنچه بیان شد، هم در نظام داعش و هم در نظام کنش داعش، تشبّث مصرّانه به رویکرد نقلی برای استنباط احکام بدون تطبیق عقلی و در نظر گرفتن اقتضائات متجددانه مشهود است. در واقع، دستگاه فقهی داعش در بر حذر داشتن خرد نقّاد (چه در وجه سنتی و چه در وجه مدرن آن) از ورود به چرخه استنباط، تبخّر مثال‌زدنی دارد؛ هر چند در نهایت، عقل به مثابه ابزار حل مسئله‌ای در خدمت نقل به کار می‌رود. در واقع، در جریان فهم اصول و مبانی، شاهد جای‌گزینی عقل منقاد با عقل نقّاد هستیم. این رویکرد به‌طور سنتی در نگرش‌های اسلامی مختلف وجود داشته است و نوع مواجهه نقلی داعش در نوع خود امری بدیع نیست؛ اما تلاشی جدید برای احیای این مواجهه قدیمی است.

یکی از نکات بارز این دستگاه فقهی آن است که در نهایت، نتیجه امر منقول را فوراً به امر واقع احاله می‌دهد؛ به این معنا که در پی تطبیق فوری و بلاواسطه امروز و دیروز است. همین امر این دستگاه فقهی را ناچار به پرش‌های بلند و عمل‌گرایانه کرده است؛ پرش‌هایی که در پی پر کردن تاریخ طولانی میان امروز مسلمین و دیروز آنهاست. برای امکان‌بخشی به چنین گذار سریع از گذشته دور به زمان حال، دستگاه فقهی داعش بیش از هر چیز بر دوگانه‌های مختلف، از قبیل دوگانه دارالاسلام و دارالکفر یا دوگانه دنیا و آخری استوار است؛ دوگانه‌ای که به‌خوبی می‌تواند احکام دوران سلف را به پهنه زندگی معاصر بکشاند؛ به علاوه، این دوگانه‌ها همگی در پیوند با هم معنا می‌شوند؛ به این معنا که دنیا و دارالکفر در کنار یکدیگر و در برابر آخری و دارالاسلام‌اند؛ همچنان‌که در شرح عذاب‌شدن ساکنان دارالکفر در همین دنیا، ابن‌رجب حنبلی می‌گوید: «در اسرائیلیات آمده است که خداوند متعال خطاب به دنیا می‌فرماید: "ای دنیا، هر آن کس به من خدمت کرد، بدو خدمت کن و هر آن کس به تو خدمت کرد، هلاکش گردان"» (Al-Hanbali, 1435, p.13)

به سخن کوتاه، در این مقاله تلاش شد برخی از جنبه‌های فکری و اعتقادی دولت اسلامی واکاوی شود و در این باره توجیهات نقلی اعضای این گروه هم در مقام عمل و

هم در مقام نظر تبیین شود؛ امری که نشان می‌دهد انسان داعشی کالای کارخانه‌های جدید نیست که به دست قدرت‌های جهانی یا منطقه‌ای ساخته شود؛ همچنین موجودیتی صرفاً سیاسی نیست که زائیده معادلات ژئوپولیتیک باشد؛ بلکه پدیده‌ای است که قدمتی به قدمت تاریخ اسلام دارد و در برهه‌های زمانی مختلف در طول تاریخ و با پوشش تاریخ‌مند خود جلوه‌گر شده است. در واقع، در تحلیل‌هایی که در تبیین ماهیت داعش به رویکردهای ژئوپولیتیک بسنده می‌کنند، درکی خبرنگارانه و تقلیل‌گرایانه دارند؛ هرچند نوشتار حاضر نیز فقط درآمدی کوتاه بر رویکرد معرفت‌شناسانه به پدیده داعش است و برای شناسایی نظام دانش گروه‌هایی از این قبیل، به مطالعاتی به‌مراتب دقیق‌تر و فراگیرتر نیازمندیم.

منابع

- قرآن کریم.
- ۱. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم (بی تا)، الفتوی الحمویة الكبرى، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ۲. الدولة الإسلامية (۱۴۳۶ق)، الأدله الجلیه: فی کفر مناصر الحملة الصلیبیه علی الخلافة الإسلامية، ریاض، مکتبة الهمم.
- ۳. المنصوری، لوی (۱۳۹۳ش)، ریشه‌های تفکر داعش: تاریخچه، نگاه‌های فقهی و استدلال‌ات، ترجمه حسین آشوری، بی جا، بی نا.
- ۴. بن قاسم، محمد بن عبدالرحمن (۱۴۱۸ق)، المستدرک علی مجموع فتاوی شیخ الإسلام عبدالحلیم بن تیمیة الحرانی، ریاض، بی نا.
- ۵. دلمی، حسن بن محمد (بی تا)، ارشاد القلوب، ترجمه سید عبدالحسین رضایی، تهران: اسلامیه.
- ۶. زمرلی، احمد (۱۹۹۵م)، عقائد أئمة السلف، بیروت، دارالکتب العربی.
- ۷. سبحانی، جعفر (۱۳۶۴ش)، آیین وهابیت، قم، دارالقرآن الکریم.
- ۸. سید قطب (۱۳۴۹ش)، ادعای نامهای بر علیه تمدن غرب و دورنمایی از رسالت اسلام، ترجمه علی خامنه‌ای و هادی خامنه‌ای، مشهد، توس.
- ۹. _____ (۱۳۶۸ش)، اسلام و صلح جهانی، ترجمه هادی خسروشاهی و زین العابدین قربانی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۱۰. _____ (۱۳۷۲ش)، ما چه می گوئیم؟، ترجمه هادی خسروشاهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۱۱. شب خیز، محمدرضا (۱۳۹۲ش)، اصول فقه دانشگاهی، قم، لقاء.
- ۱۲. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (بی تا)، الملل و النحل، بیروت، دار الفکر.
- ۱۳. فرمانیان، مهدی (۱۳۸۸ش)، «تاریخ و فرهنگ اسلامی: گرایش‌های فکری سلفیه در جهان امروز»، مجله مشکوة، شماره ۱۰۴، ص ۷۷-۱۰۴.
- ۱۴. کیل، ژیل (۱۳۶۶ش)، پیامبر و فرعون، ترجمه حمید احمدی، تهران، کیهان.
- ۱۵. کدیور، جمیله (۱۳۷۳ش)، مصر از زاویه‌ای دیگر، تهران، اطلاعات.
- مغربی، نعمان (۱۳۸۵ش)، دعائم الإسلام، قم، مؤسسه آل‌البتیة.

1. Al-Hanbali, Ibn Rajab 14 (35), My Provision Was Placed for Me in the Shade of My Spear, Dabiq, Issue 4, DhulHijjah, pp. 10-13.
2. Al-Kinani, Abu Amr(1435 Ramadan), it's either the Islamic State or the Flood, Dabiq, Issue 2, Pp. 5-11.
3. Bagader, A. A. (2005), Contemporary Islamic Movements in the Arab World, Quoted in Islam, Globalization and Post Modernity, Edited by Akbar S.Ahmed and Hastings Donnan, Tailor and Francis e-library.
4. ISIS (1435 Ramadan), From Hijrah to Khilafah. Dabiq, Issue 1, Pp. 34-41.
5. ISIS (1435 Shawwal), Hijrah from Hypocrisy to Sincerity. Dabiq, Issue 3, Pp. 25-35.
6. ISIS (1435 Ramadan), the Concept of IMAMAH (leadership) is from MILLAH (path) of Ibrahim. Dabiq, Issue 1, Pp. 20-30.
7. ISIS (1435 DhulHijjah), the Revival of Slavery Before the Hour, Dabiq, Issue 4, pp. 14-18.
8. ISIS (1436 Rabi' Al-Akhar), Islam is the Religion of Sword not Pacifism, Dabiq, Issue 7, pp. 20-25.
9. ISIS (1436 Jumada Al-Akharah), Erasing the Legacy of a Ruined Nation, Dabiq, Issue 8, pp. 22-24.